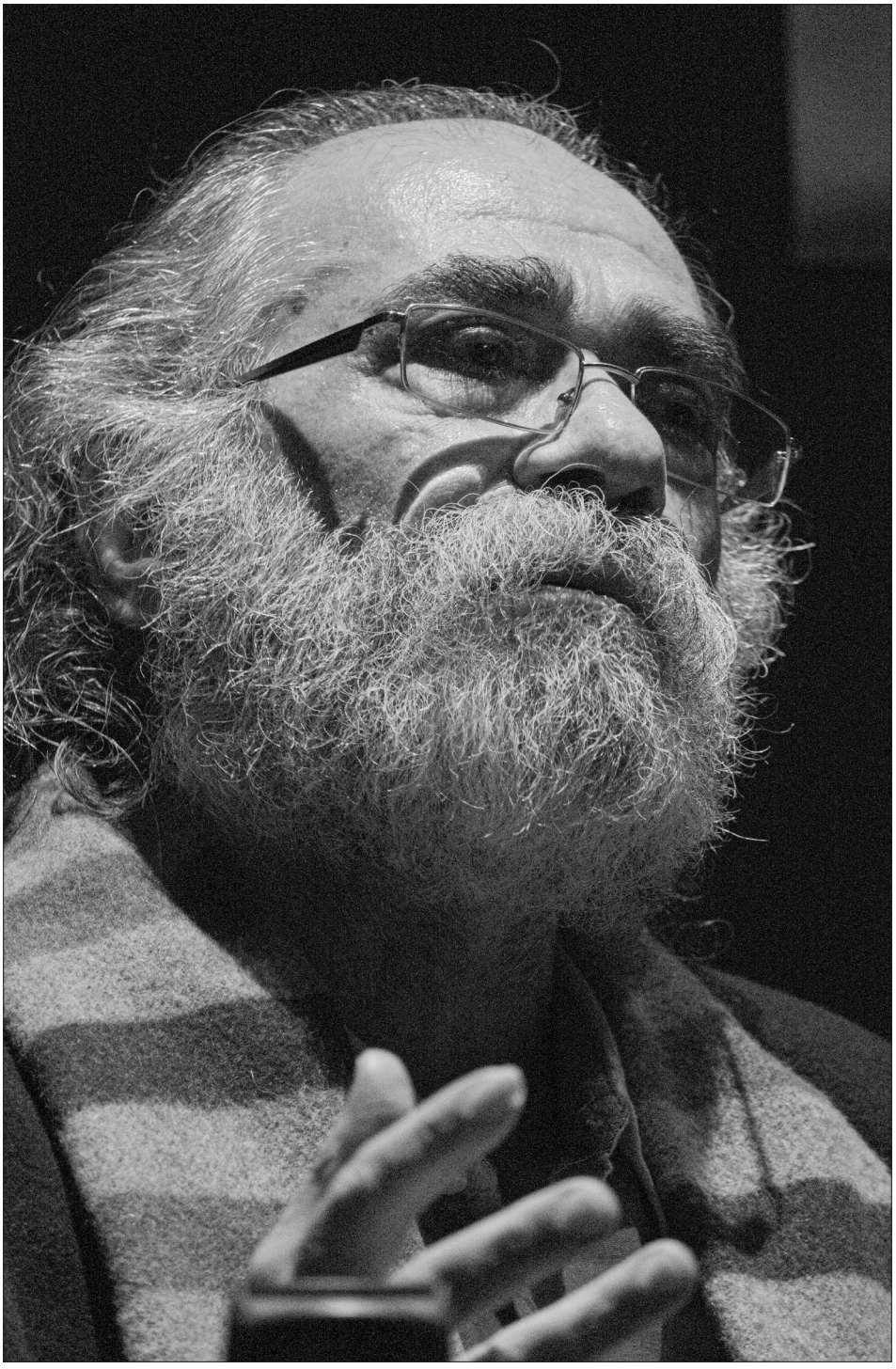
گفت‌وگو با خودم

خاطرات ارشد تهماسبی

مؤسسه‌ی فرهنگی ـ هنری ماهور
تهران ۱۴۰۳

به همهٔ کسانی که دوستشان دارم



فهرست

مقدمه ۱۳
کودکی ۱۶
مطرب کرمانشاهی ۲۲
زندگی در برازجان ۲۶
معلم بد ۲۹
زندگی در سنندج ۳۱
نصرت‌الله حدادی؛ کلاس کامکارها ۳۶
برادرم ارفع ۳۷
کلاس هوشنگ کامکار؛ **آشنایی با محمدرضا لطفی** ۴۰
خاطره‌ای از محمدرضا لطفی ۴۶
خاطراتی از سنندج؛ آشنایی با مهران لطفی ۵۲
زندگی در همدان؛ کلاس سیاوش دیهیمی ۵۵
اولین کنسرت؛ داریوش زرگری ۵۸
هدیهٔ گران‌بها ۶۴
ساواک؛ زندان ارتش؛ سیاوش دیهیمی ۶۶
خاطره‌ای از یک کنسرت؛ هویدا؛ مسعود جمالی ۷۰
زندگی در تهران؛ کلاس محمدرضا لطفی؛ کلاس هوشنگ ظریف ۷۳
سربازی در پیرانشهر ۸۹
باشگاه افسرانِ رضاییه ۹۲
ترور سرلشکر خسروداد ۹۸
روز انقلاب ۱۰۲
دانشکدهٔ هنرهای زیبا؛ محسن نفر ۱۰۴

مصاحبه با علی‌اکبر شهنازی؛ داریوش پیرنیاکان؛ ابراهیم باستانیِ پاریزی ۱۱۴
پیوستن به گروه عارف؛ انقلاب فرهنگی ۱۱۷
کار در خیابان‌ها؛ بدعت‌گزاری ۱۲۳
اولین همکاری با حسین علیزاده ۱۳۱
نت‌نویسی آثار پرویز مشکاتیان؛ ناصر فرهنگ‌فر؛ یلدا ابتهاج ۱۳۶
موقعیت کانون چاووش؛ هوشنگ ابتهاج؛ کنسرت دانشگاه ملی و حزب توده ۱۴۳
تعمیرات ساز؛ خاطره‌ای از محمدرضا لطفی؛ شورای نویسندگان ۱۵۱
اولین ضبط؛ تدریس در کانون فارابی؛ حمید متبسم ۱۵۵
پیوستن به کانون چاووش؛ کنسرت انجمن زرتشتیان؛ خاطره‌ای از پرویز مشکاتیان ۱۵۹
آلبوم *سرودهای آذربایجان*؛ ایرج حقیقی؛ قهر و آشتی با حسین علیزاده؛ اساسنامهٔ چاووش ۱۶۹
آلبوم *نی‌نوا*؛ مُسیو تمیزه و مُسیو کثیفه ۱۷۴
دستگیری سران حزب توده ۱۷۶
موسیقی تئاتر عروسکی؛ جواد ذوالفقاری؛ کیانوش امیری؛ فرهاد توحیدی ۱۷۹
عِمران صلاحی؛ ناصر رحمانی‌نژاد ۱۸۱
تار یحیی؛ بحران در کانون چاووش ۱۸۴
عروسی پرویز مشکاتیان؛ تدریس در چاووش؛ کانون چنگ ۱۸۸
کنسرت‌های داخلیِ چاووش؛ آلبوم *به یاد طاهرزاده*؛ حسن کامکار و اتاق تکثیر ۱۹۵
آلبوم *یادی از درویش‌خان* ۲۰۴
مهاجرت حسین علیزاده؛ قطعهٔ خزان ۲۰۸
نگارش آثار وزیری با محمدرضا لطفی؛ مهمانی‌ها ۲۱۵
مهاجرت محمدرضا لطفی؛ آزمون باربد؛ سبد میوه ۲۲۰
کنسرت همنوایان؛ بهروز غریب‌پور؛ پس از مهاجرت لطفی؛ گله از مجید درخشانی ۲۲۶
تعطیلی چاووش؛ **ازدواج با کیانوش امیری** ۲۳۱
ردِ دعوت محمدرضا شجریان؛ بزرگداشت غلام‌حسین بیگچه‌خانی؛ داریوش طلایی ۲۳۷
بازگشت حسین علیزاده به ایران ۲۴۳
جنگ و موشک‌باران؛ نگارش آثار درویش‌خان ۲۴۹
محمدرضا شجریان و تمرین‌های کنسرت شورانگیز ۲۵۳
شهرام ناظری و جمال سماواتی؛ خاطراتی از تمرین‌ها ۲۵۴
کنسرت شورانگیز ۲۵۹
پرترهٔ احمد وکیلی ۲۶۷

اولین تولیدات مؤسسهٔ ماهور ۲۶۸
دست‌خوشِ ضبط *آثار درویش‌خان*؛ تار جزایری؛ فیلم *دل‌شدگان* ۲۷۰
کلاس یوسف‌آباد؛ ایرج بسطامی ۲۷۶
آشنایی با مهدی اخوانِ ثالث ۲۷۸
انتشار مجموعهٔ *آثار درویش‌خان*؛ فروپاشی گروهِ کنسرت شورانگیز؛ فرهاد فخرالدینی ۲۸۳
اولین کنسرت اروپا ۲۸۷
دیوار برلین؛ دیدار با بزرگ علوی ۲۹۳
مجاهدین و کنسرت سوئد؛ خرید سوغاتی ۲۹۵
ایرج امامی؛ کنسرت لندن در رویال فستیوال هال ۲۹۸
کنسرت ویَن؛ خسرو جعفرزاده ۳۰۱
کنسرت همیاری با زلزله‌زدگان؛ کنسرت سیسیل؛ آلبوم *نوبانگ کهن* ۳۰۳
کار روی *دیوان شمس*؛ کنسرت فلورانس ۳۰۸
اولین کنسرت آمریکا؛ اولین تجربهٔ خوانندگی؛ هانیبال الخاص ۳۱۲
کنسرت سَن‌خوزه؛ محمود ذوالفنون؛ **تولد پسرم** ۳۱۸
منزل محمدرضا لطفی در واشنگتن؛ محمود دولت‌آبادی ۳۲۰
خصوصیات محمدرضا لطفی؛ سروش ایزدی؛ اولین دیدار با پسرم آرام ۳۲۸
آثار رکن‌الدین مختاری؛ علی تجویدی؛ علی‌اصغر بهاری؛ محمدعلی گلشنِ ابراهیمی ۳۳۳
استودیو پاپ؛ ناصر فرهودی؛ بیماری لاعلاج ۳۳۵
تکنیک نوازندگی؛ کتاب ژان دورینگ ۳۴۰
سیاسی‌بودن ۳۴۵
کنسرت آمریکا؛ دو هدیهٔ تولد؛ روزنگارهای اتریش ۳۴۶
کرامات! ۳۵۷
کنسرت‌های سان‌فرانسیسکو و دالاس؛ دوستان خوب ۳۶۱
شوخی با رِنگ؛ منوچهر آتشی ۳۶۸
حال‌وهوای ساز لطفی؛ مدیر مدبر ۳۷۱
ارزیابی سازِ سازگران؛ درآمدهای حاصل از تألیف ۳۷۴
نگارش *کتاب گوشه*؛ محمد زهرایی؛ هوشنگ ابتهاج ۳۸۰
یک اشتباه؛ بهروز صفرزاده؛ گروه شصت‌نفره ۳۹۰
نگارش *جواب آواز* و *تصنیف‌های عارف*؛ فرامرز پایور ۳۹۲
تدریس در هنرستان موسیقی؛ فقدان تئوری موسیقی ایرانی ۳۹۸

خاطره‌ای از پیام جهان‌مانی ۴۰۴
دوران افسردگی؛ اداصول‌های هنرمندانه ۴۰۶
نگارش *صد رَنگ رِنگ*؛ تقدیم‌نامه‌ها و شاگردان ۴۱۱
تأسیس جایگاه تار؛ علی‌رضا میرعلی‌نقی؛ فرهاد ارژنگی ۴۱۴
سمینار تار و سه‌تار؛ حمید متبسم ۴۲۲
کنسرت گروه طلوع؛ شبکهٔ جام‌جم ۴۲۵
تفسیر دستگاه‌ها در رادیو؛ رضا مهدوی ۴۳۰
سرقت هنری ۴۳۴
نامهٔ محمود ذوالفنون؛ نگارش *برنامهٔ دشتی* ۴۳۶
آهنگ‌ساز چه کسی است؟ آهنگ سهل‌وممتنع ۴۳۹
نگارش *سه چهارمضراب*؛ مصاحبه با ابراهیم قنبری‌مهر؛ قطع ارتباط با حسین علیزاده ۴۴۳
تجلیل و تمجید؛ کیوان ساکت؛ بیژن کامکار ۴۴۶
خرید آپارتمان؛ فروش سازها؛ آلبوم *پنجهٔ دشتی*؛ فرامرز پایور ۴۴۹
سمینار تار و سه‌تار؛ اداصول‌های خوانندگان؛ نگارش *وزن‌خوانیِ واژگانی* ۴۵۲
آهنگ‌هایی که به من هدیه شده؛ کیهان کلهر ۴۵۷
کنسرت‌های کانادا و آمریکا؛ پژمان حدادی؛ حسین بهروزی‌نیا؛ محسن حجاریان ۴۶۰
مرکز حفظ و پژوهش موسیقی ایرانی؛ مجید کیانی ۴۶۴
سخنرانی در دانشگاه صنعتی اصفهان؛ حسین دهلوی؛ بابک خضرایی ۴۶۷
دیدار با حسین علیزاده پس از دو سال ۴۶۸
کنسرت گروه نوروز؛ محمدرضا ابراهیمی؛ حمید خبازی؛ سپیده رئیس‌سادات ۴۷۰
آلبوم *عشق‌مانْد*؛ سالار عقیلی؛ ساعد مِشکی؛ آلبوم *دلدار* ۴۷۳
تصنیف شاه شمشادقدان؛ کنسرت‌های بیست‌شبه؛ محسن کرامتی؛ ابراهیم نبوی ۴۷۶
درگذشت داریوش زرگری؛ اجرای ردیف میرزا عبدالله؛ مستندِ *از درآمد تا فرود* ۴۸۱
سفرهای گروهی با شاگردان؛ پسرم و موسیقی ۴۸۴
سخنرانی در هلند؛ اهل موسیقی و تریبون؛ مجید کیانی؛ علی آشوری ۴۸۷
نقدِ *وزن‌خوانیِ واژگانی*؛ آلبوم *سایه‌های سبز* ۴۹۴
کارگاه‌های موسیقی؛ وقف کالبدم به گروه آناتومی ۴۹۸
آلبوم *سعدی‌نامه*؛ گروه دستان؛ وصیت‌نامه؛ کنسرت همدان؛ سیاوش دیهیمی ۵۰۳
جشنوارهٔ فجر؛ بازگشت محمدرضا لطفی؛ مکتب‌خانهٔ میرزا عبدالله ۵۰۸
کنسرت شاهرود؛ سیاوش ایمانی ۵۱۶

تفسیر دستگاه‌ها در رادیو فرهنگ ۵۲۰
کلاس مکتب‌خانهٔ میرزا عبدالله؛ رنجش از محمدرضا لطفی ۵۲۲
شعری طنز دربارهٔ محمدرضا لطفی ۵۳۰
کارگاه اصفهان؛ عروسی پژمان حدادی؛ آرزوهای من ۵۳۵
حال‌وهوای نشر کارنامه؛ انتشار کتاب *عشق‌مانْد*؛ تیراژ آلبوم‌ها ۵۳۸
مقاله‌نویسی برای *دایرةالمعارف*؛ کنسرت حسین علیزاده؛ محمدرضا ابراهیمی؛ پیام جهان‌مانی ۵۴۲
دانشجویی پسرم؛ آلبوم *عاشقی*؛ نوید افقه ۵۴۷
کشف و شهودهای غیر عرفانی؛ رد دعوتِ ارگان‌ها و جشنواره‌ها ۵۵۱
نگارش و ضبط مجموعهٔ *صدویک پیش‌درآمد* ۵۵۴
معاشرت مجدد با حسین علیزاده؛ دهلچی؛ سازهای ابداع محمدرضا شجریان ۵۵۵
خاطره‌ای مربوط به شهرام ناظری؛ دعوت محمدرضا لطفی برای همکاریِ مجدد ۵۶۸
کارگاه‌های شهرستان‌ها؛ کنسرت تار و ترانه؛ افکار درهم‌وبرهم ۵۷۱
تدوین تفسیر دستگاه‌ها؛ مجموعهٔ *گوشه به گوشه* ۵۷۷
آشتی با محمدرضا لطفی؛ مقالهٔ «لطفی پیری همچنان دلیر است» ۵۸۳
مقاله‌هایی دربارهٔ هوشنگ ظریف و جلیل شهناز ۵۸۹
آخرین کنسرت در تالار وحدت؛ خطاهای سالار عقیلی ۵۹۴
کارهای زمین‌مانده؛ کارگاه‌های شهرستان‌ها؛ هتل‌ها و مهمان‌سراها ۵۹۹
بیماری و درگذشت محمدرضا لطفی؛ آشنایی با داریوش طلایی ۶۰۵
دو برنامهٔ تلویزیونی دربارهٔ محمدرضا لطفی و کانون چاووش ۶۱۶
آوای شیدا؛ تلقی نادرست محمدرضا درویشی؛ بزرگداشت محمدرضا لطفی ۶۲۰
کتاب آثار محمدرضا لطفی ۶۲۵
مقاله‌ای دربارهٔ محمدرضا لطفی؛ روابطم با داریوش طلایی ۶۲۷
شوپن و کیشلوفسکی؛ کارگاه بهبهان؛ چانه‌زنیِ برعکس! ۶۳۷
انتشار *پهلوان تار*؛ سفر گرگان؛ کارگاه‌های خرّم‌آباد و شیراز ۶۴۰
مقاله‌ای دربارهٔ محمدرضا لطفی؛ صبا علیزاده؛ سفر به ترکیه ۶۴۴
سخنرانی دربارهٔ محمدرضا لطفی و اجرای آهنگی به یاد او؛ عبدالرضا جلالی؛ گاف! ۶۵۱
کارگاه قزوین؛ بازخوردها؛ موسیقی‌دانِ بی‌کار! روزمرگی‌ها ۶۵۵
ماجرای مستند *از درآمد تا فرود*؛ روزمرگی‌ها؛ نگارش *سِیر در سیاره‌ها* ۶۶۳
عارضهٔ چشم؛ دربارهٔ *کتاب گوشه* و کارگاه‌های تحلیل ردیف ۶۷۰
کارگاه زنجان؛ روزمرگی‌ها؛ همکاری با میثم مروستی ۶۷۹

کلاس تصنیف‌خوانی؛ روزمرگی‌ها؛ مال‌باختگی! ۶۸۵
برگزاری کارگاهی در زادگاهم؛ نگارش *چگونگی موسیقی ایران* ۶۹۰
تقریظ‌هایی برای آثار حسن منصوری و منصور اعظمی‌کیا؛ کارگاه‌های خارجی! ۶۹۴
نگارش *پرده‌گردانی*؛ درگذشت برادرم؛ سازهای محمدرضا لطفی ۷۰۰
سکته و سیگار! نگارش *روایتی خوانا از تصنیف‌های عاشقانهٔ امیرجاهد* ۷۰۶
کارگاه‌های شهرستان‌ها؛ انتشار *خنیاگر غمگین*؛ نشست *بخارا* با علی دهباشی ۷۰۹
هدیهٔ پنجاه‌هزاردلاری ۷۱۵

کتاب‌نامه ۷۱۶
نمایه ۷۱۹

مقدمه

معمولاً خاطره‌نگاری کار افرادی است که در طول زندگی‌شان به کارهای کارستانی دست زده‌باشند؛ نیز غالباً کسانی اقدام به این کار می‌کنند که به هر علت، شهرتی فراگیر یافته‌باشند. خوب می‌دانم که جزوِ هیچ‌یک از این گروه‌ها نیستم، زیرا این را «آمار» می‌گوید؛ بنابراین من که دوست‌دار تحقیق بوده و هستم، تعداد کسانی که مرا می‌شناسند را، بر اساس تیراژ کتاب‌ها و آثار صوتی‌ام، رصد کرده‌ام و می‌دانم تأثیراتم بر کدامین قشر از جامعه و تا چه حدی بوده‌است؛ و می‌دانم کسانی که مرا می‌شناسند حداکثر، به اندازهٔ شمارگان پُرفروش‌ترین کتاب‌هایم هستند که در تیراژی کلی حدود صدهزار جلد از آنها منتشر شده‌است و همچنین واقفم که نیمی از این شمارگان در کتاب‌خانه‌ها و آرشیوهای خصوصی بلااستفاده مانده و خاک می‌خورند. علی‌رغم این، حتی با وجود مخاطبانی به همین اندازه، جایگاه من ازآنچه به واقع هست به ردهٔ بالاتری ارتقا نخواهد یافت و بنابراین هیچ‌گاه در فهرست «مشاهیر» قرار نمی‌گیرم.

بااین‌حال تصمیم گرفتم خاطراتم را بنویسم و منتشر کنم، زیرا اهل موسیقی کمتر وارد این وادی شده‌اند و این را همه جا گفته‌ام و از این بابت متأسف بوده‌ام که دست‌اندرکاران موسیقی به ندرت تصویر مستند و روشنی از چندوچون زندگی و فعالیت‌ها و تلقیات خودشان ارائه داده‌اند. پس بگذار با این اقدام، روزنه‌ای باز کنم تا دوست‌دارانِ این رشته با زوایایی از باورها و احساساتم و نیز بعضی رخدادهای زندگی‌ام، به‌خصوص در مجالست با هنرمندانِ دیگر که زیاد هم نبوده‌اند، آشنا شوند. شاید بعضی از آنها بدانند سالیان درازی است که، به میل باطنی و به صورتی خودخواسته، از جامعهٔ موسیقی دور بوده‌ام و به‌این‌ترتیب حدود انتظارشان ازآنچه نوشته‌ام زیاد نخواهد بود.

روزگار همه چیز را به‌مرور دگرگون می‌کند؛ خودمان را، شهرمان را و همهٔ چیزهای دیگر را؛ و هیچ‌کدام از این چیزها دیگر همانی نیستند که پیش از این بوده‌اند. احساسات پاک و بی‌غَل‌وغشِ کودکی و جوانی‌مان رفته‌رفته با گذر عمر، رنگ می‌بازند و یادمان می‌رود که می‌خواستیم چگونه باشیم و با تلقی دیگری به همه چیز نگاه می‌کنیم. گاهی هم آن چیزی می‌شویم که هرگز دوست نداشتیم باشیم؛ چه می‌شود کرد؟ روزگار است و شاید مرا هم دگرگون

کرده‌باشد و دیگر تلقی‌ام نسبت به نزدیکان و همکارانم آن چیزی نباشد که در جوانی بوده‌است، اما از کدامش بنویسم؟ ازآنچه بودم یا این که هستم؟ یا اینِ امروز و آنِ دیروز را با هم درآمیزم. خودم این آخری را بیشتر دوست دارم، چراکه با واقعیتِ زندگی هم‌خوانیِ بیشتری دارد.

این چند سطری را که خواندید سال ۱۳۹۵ نوشتم. آن زمان قصد داشتم متن کتاب را به‌صورت خاطرات تنظیم کنم که این کار، به خاطرِ اتمام چند کتابِ نیمه‌کاره‌ام، به‌اصطلاح روی زمین ماند تا شاید در فرصتی دیگر به آن بپردازم. سال ۱۳۹۹ پیامی از زنده‌یاد ابوالحسن مختاباد که در آمریکا زندگی می‌کرد، دریافت کردم مبنی بر اینکه هر زمان توانستم با او تماس بگیرم تا به سؤال‌هایش دربارهٔ زندگی و عملکردهای حرفه‌ایِ زنده‌یاد محمد زهرایی، مدیر نشر کارنامه، پاسخ دهم، زیرا آگاه بود یکی از کتاب‌هایم ده سال نزد او خاک خورده و گمان می‌کرد به خاطرِ نشست‌هایی که با وی داشته‌ام، از شیوهٔ کار و بعضی خصوصیاتش باخبرم. پس از مدتی با او تماس گرفتم و دراین‌باره گفت‌وگو کردیم و ضمنِ این صحبت‌ها، پیشنهاد کرد اگر مایل باشم، دوست دارد مصاحبه‌ای طولانی، در حدِّ پنجاه‌شصت جلسهٔ دوسه‌ساعته، با من داشته‌باشد و در آن به زندگی شخصی و فعالیت‌های حرفه‌ای‌ام بپردازد و حاصلش را به‌صورت کتابی منتشر کند، اما من مرد این حرف‌ها نبودم، به‌خصوص از راهی دور و به‌واسطهٔ ابزاری چون تلگرام و واتساپ. از او عذرخواهی کردم و گفتم این نوع کارها از حوصله‌ام خارج است، بگذریم از اینکه در سال‌های قبل هم چنین پیشنهادهایی را رد کرده‌بودم.

روز چهارشنبه بیست‌وهشتم مهر ۱۴۰۰ سومین جلد از کتاب‌هایی را که باعث به تعویق افتادنِ کار شده‌بودند تحویل آقای محمد موسوی، مدیر مؤسسهٔ ماهور، دادم و هنگامی که به دفترم بازگشتم طبق معمول، دچار یک خلأ روحی شدم که حالا چه کنم؟ بلافاصله یاد همان موضوعِ فراموش‌شده و نیز خواستهٔ آقای مختاباد افتادم و یک لحظه به نظرم رسید بهتر است شیوهٔ کار را تغییر دهم و خودم با خودم مصاحبه کنم و بلافاصله، در ذهنم، انجامش دادم.

از خودم پرسیدم: حُسن این کار چیست؟ و پاسخم این بود که: اولاً تعیین وقت و زمانِ گفت‌وگو در دست خودت است و هروقت مایل بودی قرار مصاحبه می‌گذاری و زمانی که حوصله نداشتی دست از کار می‌کشی. دوم اینکه در چنین قالبی، تنظیم آنچه می‌خواهی بگویی آسان‌تر از تدوین آن در قالب خاطره‌نگاری خواهد بود و می‌توانی به‌اصطلاح از این شاخ به آن شاخ هم بپری و دراین‌باره مصمم شدم.

این کتاب بیشتر از آنکه شرح عملکردهای هنرمندانهٔ یک هنرمند باشد، داستان زندگیِ عادیِ نه‌چندان پُرفرازونشیب، و شرح احساسات و عواطف یک انسانِ معمولیِ دست‌اندرکارِ موسیقی است؛ درحقیقت سرگذشتم را در یک زندگی واقعی و دوبُعدی پیش روی شما گذاشته‌ام و به‌این‌ترتیب و با چنین رویکردی، از نشان‌دادنِ پسِ پردهٔ زندگی و نمایاندنِ افکار شخصی‌ام در این نوشتار باکی نداشته‌ام و هرچه بوده‌ام و هر طور اندیشیده‌ام را به تصویر کشیده و به‌اصطلاح،

هم به صحنه و هم به پشتِ‌صحنه پرداخته‌ام. فکر می‌کنم همیشه یکی از ابعادِ خاطره‌نگاری‌های اشخاص نوعی «برای خود نوشتن» باشد. حداقل برای من که چنین است؛ مثل یک نوع نظم‌دادن به یادداشت‌ها و روزنگارها و خاطراتی که در ذهنت داری و در یک کلام، کلاسه‌کردنِ همهٔ اینها در قالبی شسته‌رُفته؛ تا حداقل در آن روزگارانی که ناگزیر، دچار پیری و نقصان حافظه می‌شوی یا چاره‌ای جز زندگی با گذشته و خاطراتت نداری، بتوانی خوب به یاد بیاوری که چه کرده‌ای و مهم‌ترین و خاطره‌انگیزترین رخدادهای زندگی‌ات کدام‌ها بوده‌اند.

من هم در زندگی‌ام، مثل هر شخص دیگری همواره «انتخاب» کرده‌ام. انتخاب کرده‌ام که چه سروریختی داشته‌باشم، چه لباس‌هایی بپوشم، چه کسانی دوستانم باشند، با چه کسی ازدواج کنم، کجاها بروم و کجاها نروم و در نهایت یک مانیفست و بیانیه‌ای برای خودم تعریف و انتخاب کرده‌ام. طبیعتاً و بر همین اساس، تمامی افکار و گفته‌ها و کنش‌ها و واکنش‌هایم در طول زندگی، از آن زمانی که خودم را شناختم، بر اساس همین پیش‌فرض‌ها بوده‌اند و به‌این‌ترتیب، در جای‌جایِ این نوشته‌ها، جدای از شرح وقایع و رفتار و گفتار آدم‌ها، تلقیاتم را هم دربارهٔ آنها خواهم گفت و بسا که با چنین رویکردی، خیلی از حرف‌هایم به نظرِ خوانندهٔ کتاب تعریف از خود بیایند، اما چاره چیست؟ یا باید با همه چیز خنثی برخورد کنم یا بدون نگرانی از اینکه خودشیفته به نظر بیایم، خودم باشم که در اینجا دومی را انتخاب کرده‌ام.

اما نکته‌ای دربارهٔ مصاحبه‌کنندهٔ این کتاب: پرسشگرِ این گفت‌وگو، برخلاف پاسخ‌دهنده، شخصیت کاملاً خنثایی دارد و فقط در نقش یک رابط ظاهر شده‌است. سؤال‌های او پرسش‌هایی بسیار عادی هستند و هیچ جا سعی نمی‌کند طرف مقابلش را به چالش بکشد و از خودش اضافات و افاضاتی داشته‌باشد و همهٔ پرسش‌هایش تنها و تنها، در راستای ایجاد پیوند بین گفته‌های گاه پراکندهٔ مصاحبه‌شونده است.

سپاسگزارم از آقای حامد نظردخت به خاطرِ چند مورد عکس‌برداری، و خانم مهندس هدیه نوربخش به خاطرِ تهیهٔ پلانِ آپارتمان چاووش، خانم فائزه توحیدلو و آقای امیرحسین حیدری به خاطرِ نمونه‌خوانیِ متنِ پیش از انتشار؛ همچنین ممنونم از بهروز صفرزاده، استاد ادیبِ فرزانه که در طول نگارش این کتاب، پاسخگوی سؤال‌های بی‌شمارم بوده‌است.